

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۲۱ / ۰۲ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۲۰ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : حقیقت عنقاء، نوای استاد

«بسمه تعالی»

حقیقت عنقاء، نوای استاد

«اعطاء روان به جان جانان»

بیان اسکندر افرویدیسی از دید محقق و فیلسوف متأله حضرت استاد موسوی: در مبحث قبلی از «عنقاء» نگاشتیم که عرفا برای رد آگزیستا، ماده‌گرایان حقیقت «روح القدس» را آورده‌اند و گاهی از آن تعبیر به «عنقاء» نموده‌اند. و بیان شد که صفیر این عنقاء از جبل قاف قدرت موجب کشف علوم حقیقی در جان انسان شیفته می‌گردد. اما براستی هدف از «عنقاء» چیست؟ آیا هدف همان پرنده فرضی است؟ باید گفت از طنزهای عرفاست که موضوع صنمی را به دیگر صنم تشبیه می‌کنند. حضرت ملاصدرا دم استاد را، فن استاد را، علم استاد را، طنین بیان استاد را تشبیه به عنقاء نموده‌اند! و شما ای جوینده!

اگر به واقع برقش و جهش عنقاء را بررسی کنی، دقیقاً با نوای یک استاد سازگار است. آن صفیری که در سحرگاه جان انسان را به خیزش آورد، نفس استاد است. اما برای این که تو خواننده یا بیننده این متن حقیقت عنقاء را بهتر بیابی، از یکی از شخصیت‌ها و بزرگانی که مجذوب استاد گشته و آثاری از جذبه‌اش نمودار است، یاد می‌شود و آن شخصیت اسکندر افرویدیسی است. «اسکندر فرودیسی» (یا افرویدیسی) از اعظم شاگردان ارسطاطالیس و اعظم مشاء است. پدر او، او را به نزد ارسطو برد «لیتعلم منه الحکمة و الادب» تا به او حکمت و ادب بیاموزد. 15 سال شب و روز در ملازمت استاد بود. آداب حکمت بیاموخت تا به مرتبه کمال رسید. (گویند پدر ارسطو پادشاه بوده و به احتمالی پدر اسکندر هم جزء همان پادشاهان).

همان گونه که به مکتب استاد شدی، از وی جويا شدند:
- چون پادشاهی به تو رسد در کجا مستقر خواهی شد؟
گفت: فقط مکتب استاد!

باید جهان بشریت از بیان این فیلسوف (اسکندر) توجه یابد که این سخنان از انسانی بی‌دانش یا کم خرد ابراز نشدی بلکه از انسانی والا و پر از دانش بروز نموده است. یعنی تو انسان بدان که بها از سینه و لب استاد سرازیر است و بس. چرا؟

برای این که این گفته‌ها پس از 25 قرن، در سطوح دانش مطرح است در حالی که آن همه ثروتمندان، این همه شهوترانان در دنیا بودند و هستند و خواهند بود ولی نه نامی از آن‌هاست و نه نشانی.

پس بدان با یافتن اسرار سینه استاد است که نشانی از بی‌نشان یعنی رازهای دل در دل جو لایتناهی معلقند. همان گونه که از وی جويا شدند بهای تو در چیست؟ در جواب آن گفت که جز مکتب استاد جای دگر نیست. همین راز و بیان برهانی است بر عظمت و شهود استاد و دانش. یعنی گفت: بهای پادشاهی من در کمال درونی من است. و الا عنوان‌های ظاهر همه فرارند. از او پرسیدند: آیا بر گفته‌هایت برهانی داری؟

در جواب گفت: چون رضای دوست در این جذبه پر است لذا جایی را می‌گزینم که رضای دوست در آن است. او گوید: جای استاد مطرح است در هر جا باشند. هر چند کوچی!

به او گفتند: تعظیم و ادب بر استاد زیاده از پدر و مادر داری؟ چرا؟

در جواب گفت: پدر موجب حیات فانی من است، استاد سبب حیات باقی من است. پدرم از لذتش موجب

هستی من شد از این جهت جسمم کائن و فاسد است ولی استاد من آنچه به من آموخت کون و فساد در آن راه ندارد و از جان خویش مایه نهاد نه از لذائذ خویش. او ماحصل عمر و شیوه حیاتش را به من عطا نمود. پس از حضرت حق و مقدسات جهان، نفس و بیان استاد اصل است در جهان آفرینش. بنابراین عالم باید قدر استاد را بداند تا روزی که بشریت در سینه هستی می‌غلطد نغمه استاد بر جان آنان لزوماً فرو می‌ریزد.

زیرا آنچه زشتی‌هاست، نادانی است و این نادانی از آن او است که نشناسد خانه استاد کجاست؟ برای این که ثابت کند رهانیدن دانش در سینه جویایش عزیز است روزی که در سکوت مانده بود این گونه به فریاد آمد:

امروز از عمرم محسوب نشود و لذتی از عمرم نبردم زیرا لذت عمر من در دادن علم به محتاجان است و امروز محتاجی نیافتم تا علمم را به او بدهم.

روزی از استاد خواست علاوه بر درسش نامه‌ای به او به یادگار بدهد، استاد برای او نوشت:

- وعده را از خلاف حفظش کن، (یعنی آن چه گفتمی و هستی همان باش).

- گناهکار را به عفو مقرون دار زیرا زینتی است فاخر.

- در همه حال بنده حق باش زیرا بنده حق آزاد است.

- پس از خدا تنها تأمین‌گاه تو استاد باشد. زیرا هر چه به او نزدیکتر شوی، کامل‌تر می‌شوی.

و در پایان نوشت: نگاه نمودن در آئینه صورت بنمایاند ولی گوش دادن یا سپردن دل به سخنان حکیمانه استاد همواره تو را و هستی‌ات را به جهان حیات می‌سپرد.

او در سال 485 میلادی در کرانت آسیای صغیر متولد شد و در فلسفه فلوطونی‌ها نقش عجیبی داشت.

پس بدان! استاد هم در مکان است و هم در زمان است و ازلی و ابدی است.

و در اینجا اسراری است که تا متلمذ نشوی ندانی.

اما یک جمله در جانت به امانت می‌سپارم:

«استاد عالمی است در قالب بشر!»

در طول حیاتت بکوش سری از آن عالم را بیابی!»